

## تأثیر انحلال مؤسسه بیمه بر پروانه بیمه‌گری

پژمان محمدی\*<sup>۱</sup>

ناهید بنی‌رشید<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۰۸

### چکیده

برای انجام عملیات بیمه و ثبت مؤسسات بیمه، اخذ پروانه بیمه‌گری ضروری است. با شروع به عملیات بیمه‌ای ممکن است مؤسسه بیمه منحل شود. انحلال مؤسسات بیمه که در قالب شرکت سهامی عام تشکیل می‌شوند تابع قوانین تأسیس بیمه مرکزی و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰ و لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ می‌باشد. انحلال مؤسسه، به نحوی پروانه بیمه‌گری را از اعتبار می‌اندازد؛ در انحلال به موجب ماده ۱۹۹ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، به دلیل این‌که تا خاتمه تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور تصفیه باقی است، این پروانه تا ختم عملیات تصفیه معتبر و پس از آن به علت از بین رفتن شخصیت حقوقی مؤسسه، از اعتبار می‌افتد، اما در انحلال به دلیل ورشکستگی، قبل از صدور حکم ورشکستگی، توسط بیمه مرکزی، پروانه باطل می‌گردد. در انحلال به دلیل ادغام و تجزیه، مرجع اجازه‌دهنده ادغام و تجزیه همزمان با اجازه انجام این امور، به لغو پروانه سابق اقدام می‌نماید. ابطال پروانه در کلیه عملیات بیمه‌ای نیز از موارد انحلال مؤسسه است که در این صورت کلیه حقوق و تعهدات مؤسسه به شرکت سهامی بیمه‌ایران انتقال می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: مؤسسه بیمه، پروانه بیمه‌گری، انحلال مؤسسه، تأثیر انحلال، ابطال پروانه.

---

۱. استاد گروه حقوق، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز Mehryar1381@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید چمران اهواز و وکیل پایه یک دادگستری، اهواز n.banirashid1366@gmail.com

## مقدمه

به موجب ماده ۳۱ قانون تأسیس بیمه مرکزی و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰ «عملیات بیمه در ایران به وسیله شرکت‌های سهامی عام ایرانی که کلیه سهام آنان با نام بوده و با رعایت این قانون و طبق قانون تجارت به ثبت رسیده باشند انجام خواهد گرفت». لزوم تشکیل مؤسسات بیمه در قالب شرکت سهامی عام، تبعیت از مقررات حاکم بر این شرکت‌ها را ایجاب می‌نماید. لیکن تشکیل یک مؤسسه بیمه و شروع به عملیات بیمه‌ای - که عملیاتی تجاری است - رعایت تشریفاتی را طلب می‌کند. یکی از این تشریفات که در ماده ۳۸ قانون تأسیس بیمه مرکزی و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰ مقرر شده، لزوم تحصیل پروانه بیمه‌گری است. به موجب این ماده «برای انجام عملیات بیمه در تمام رشته‌ها یا رشته‌ای معین باید قبلاً ... از بیمه مرکزی ایران پروانه تحصیل گردد ...». اهمیت تحصیل پروانه مذکور به حدی است که قانون‌گذار بدون تحصیل آن، انجام عملیات بیمه‌ای را مجاز نمی‌داند. ضرورت تحصیل پروانه به این دلیل و نیز دلایل دیگری که در قانون تأسیس بیمه مرکزی و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰ ذکر شده است، آثاری به دنبال دارد که اهمیت بیش‌تر آن را نمایان نموده و به مواردی چون سوالات ذیل پاسخ می‌دهد: پروانه بیمه‌گری چه کارکردی دارد؟ آیا تحصیل آن اجباری است؟ عدم تحصیل پروانه بیمه‌گری و انجام عملیات بیمه‌ای، چه ضمانت اجرایی به دنبال دارد؟ اما قبل از آن باید دانست که پروانه بیمه‌گری چیست و به چه معنا است و نیز این که متقاضی این پروانه به چه شیوه می‌تواند آن را تحصیل نماید؟

با اخذ پروانه مذکور و شروع به عملیات بیمه‌ای، مؤسسه بیمه همانند هر شخص حقوقی دیگر ممکن است دچار انحلال شود. با انحلال

---

۱. از این به بعد برای رعایت اختصار به جای عبارت «قانون تأسیس بیمه مرکزی و بیمه‌گری» از عبارت «قانون بیمه‌گری» استفاده می‌نماییم.

مؤسسه و از بین رفتن شخصیت حقوقی آن، تعیین وضعیت پروانه مؤسسه از اهمیت بسیار برخوردار است. بی شک لزوم تشکیل مؤسسه بیمه در قالب شرکت سهامی عام، تبعیت از قواعد انحلال این مؤسسات را که در مواد ۱۹۹ الی ۲۳۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ پیش‌بینی شده موجب می‌شود. اما آیا موارد انحلال مؤسسات بیمه محدود به موارد مندرج در این لایحه قانونی است یا قانون تأسیس بیمه مرکزی و بیمه‌گری نیز در این باره متضمن احکامی است؟ آیا در تعیین وضعیت پروانه بیمه‌گر پس از انحلال مؤسسه، میان علت‌های مختلف انحلال تفاوت وجود دارد یا خیر؟

مقاله حاضر با هدف ایجاد یک کار پژوهشی در زمینه حقوق بیمه، چاره‌جویی و رفع ابهام از قوانین فعلی ایران و نیز وسعت بخشیدن به علم و غنای فکری نویسندگان و خوانندگان آن تدوین یافته و در عین حال بر آن است که به سوالات فوق پاسخ دهد. این مقاله با تحقیقی تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای در دو مبحث و به شرح ذیل نگارش یافته است:

مبحث اول: پروانه بیمه‌گری و آثار مترتب بر آن (در دو گفتار شامل؛ گفتار اول: مفهوم و تشریفات صدور پروانه بیمه‌گری و گفتار دوم: آثار وجودی پروانه بیمه‌گری).

مبحث دوم: وضعیت پروانه بیمه‌گر پس از انحلال مؤسسه بیمه (در دو بخش شامل؛ بخش اول: انحلال به موجب لایحه قانونی ۱۳۴۷، بخش دوم: انحلال به موجب قانون بیمه‌گری).

## ۱- پروانه بیمه‌گری و آثار مترتب بر آن

بی شک شناخت مفهوم یک نهاد حقوقی، اولین قدم لازم برای تحقیق در مورد آن می‌باشد؛ زیرا تنها پس از شناخت مفهوم یک نهاد، می‌توان به اهمیت و آثار ناشی از آن، پی برد. به همین لحاظ قبل از پرداختن به مسئله

اصلی مقاله- تأثیر موجبات انحلال مؤسسه بیمه بر پروانه بیمه‌گری- لازم دانسته تا در خصوص مفهوم پروانه بیمه‌گری و آثار مترتب بر آن مطالبی بیان کنیم. بر همین اساس مطالب این مبحث را به دو گفتار، به ترتیب با عنوان‌های: مفهوم و تشریفات صدور پروانه بیمه‌گری و آثار وجودی پروانه بیمه‌گری تقسیم نموده و در هر گفتار به مسائل مربوطه خواهیم پرداخت.

#### ۱-۱- مفهوم و تشریفات صدور پروانه بیمه‌گری

بیمه‌گران همچون سایر بازرگانان برای انجام فعالیت‌های تجاری خود تکالیفی برعهده دارند. یکی از این تکالیف تحصیل پروانه بیمه‌گری است که عدم اخذ آن ضمانت اجرایی به دنبال دارد. تحصیل این پروانه با رعایت تشریفات صورت می‌گیرد که دانستن آن لازم است. اما قبل از آن بهتر است با مفهوم پروانه بیمه‌گری آشنا شویم. به همین دلیل مطالب این گفتار را در دو بند به ترتیب با عنوان‌های مفهوم و تشریفات صدور، تقسیم نموده و به این مسائل پرداخته‌ایم.

#### ۱-۱-۱- مفهوم

پروانه یا جواز به عنوان مجوز شروع فعالیت‌های خاص- غالباً فعالیت‌های تجاری و حرفه‌های مختلف - است که از سوی نهادهای ویژه به اشخاصی واجد شرایط اعطا می‌شود. مؤسسات بیمه نیز برای انجام عملیات بیمه‌ای باید از بیمه مرکزی ایران پروانه بیمه‌گری اخذ کنند. به موجب ماده ۳۸ قانون تأسیس بیمه مرکزی و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰ «برای انجام عملیات بیمه در تمام رشته‌ها یا رشته‌ای معین باید قبلاً... از بیمه مرکزی ایران پروانه بیمه‌گری تحصیل گردد...». لیکن در هیچ یک از مواد این قانون از پروانه بیمه‌گری تعریفی نشده است. در قوانین دیگری چون قانون راجع به دلالات مصوب ۱۳۱۷ و قانون انحصار تجارت خارجی مصوب ۱۳۱۱ نیز از پروانه دلالتی و جواز ورود کالا صحبت به میان آمده

است ولی همانند قانون بیمه‌گری تعریفی از آن ارائه نشده است.<sup>۱</sup> یکی از حقوق‌دانان در تعریف آن گفته است: «اجازه کتبی که از یک مؤسسه دولتی یا ملی به صورت متحدالشکل برای عده‌ای از اشخاص و برای تأمین منظور خاص و در جهت رعایت نظام و ترتیب معینی صادر می‌شود.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵) با این لحاظ در تعریف پروانه بیمه‌گری می‌توان گفت: اجازه‌ای کتبی است که بنا به درخواست متقاضی پروانه جهت انجام عملیات بیمه‌ای، در تمامی رشته‌ها یا رشته‌ای معین توسط بیمه مرکزی ایران به متقاضی آن اعطا می‌شود.

### ۱-۲-۱- تشریفات صدور

پس از تأسیس شرکت بیمه مطابق ضوابط مندرج در لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ (ماده ۶ الی ۱۹)، برای ثبت آن لازم است که پروانه بیمه‌گری از بیمه مرکزی ایران اخذ گردد. تقاضای صدور پروانه بیمه‌گری از طرف مدیران مؤسسه بیمه به بیمه مرکزی داده می‌شود. متقاضی باید مدارک و اطلاعات ذیل را به بیمه مرکزی ایران تسلیم کند:

- ۱- اساسنامه مؤسسه ۲- میزان سرمایه مؤسسه ۳- صورت کامل اسامی شرکا و مدیران و تابعیت و تعداد سهام هریک از آنها ۴- میزان سهام نقدی و غیرنقدی و نحوه پرداخت آنها ۵- اسناد و مدارک و اطلاعات دیگری که بیمه مرکزی ایران برای احراز صلاحیت مالی و فنی مؤسسه و حسن شهرت مدیران لازم بداند (ماده ۳۸). به موجب بند ۱ ماده ۱۷ قانون بیمه‌گری، رسیدگی و اظهارنظر نسبت به تقاضای صدور پروانه تأسیس یا لغو پروانه مؤسسات بیمه و پیشنهاد آن به مجمع عمومی در صلاحیت

---

۱. به موجب ماده ۱ قانون راجع به دلالت «تصدی به هر نوع دلالتی منوط به داشتن پروانه است». ماده ۲ قانون انحصار تجارت خارجی نیز بیان می‌دارد «... به دولت اجازه داده می‌شود در مواردی که مصالح اقتصادی مملکت اقتضا نماید اجازه ورود پاره‌ای محصولات طبیعی و یا صنعتی خارجه را مشروط به شرط صدور محصولات طبیعی و یا صنعتی ایرانی بنماید».

شورای عالی بیمه است. بنابراین مرجع تحویل تقاضا. شورای عالی بیمه مرکزی است. با تقاضای صدور پروانه، شورای عالی بیمه تشکیل جلسه داده و «... حداکثر ظرف مدت شصت روز از تاریخ تسلیم آخرین مدارک و اطلاعات خواسته شده با رعایت مفاد بند یک ماده ۱۷ نظر مجمع عمومی را اعم از قبول یا رد تقاضا کتباً به متقاضی اعلام نماید...». (ماده ۲۹ قانون بیمه‌گری). بنابراین شورای عالی بیمه در هر حال اعم از قبول یا رد تقاضا مکلف است نظر خود را به اطلاع مجمع عمومی رسانده و مجمع عمومی بیمه مرکزی، مرجع صلاحیت‌دار نسبت به قبول یا رد پیشنهاد مذکور است. در واقع نظر شورای عالی بیمه تنها جنبه مشورتی داشته و اعلام نظر نهایی در صلاحیت مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران است. هر گاه متقاضی نسبت به نظر اعلام شده اعتراض داشته باشد می‌تواند ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ نظر مذکور، اعتراض خود را به هیأت وزیران اعلام دارد. نظری که هیأت وزیران اتخاذ می‌کند قطعی است. در صورت پذیرش تقاضا و صدور پروانه، مراتب مذکور به هزینه خود مؤسسه توسط بیمه مرکزی ایران در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران و در صورتی که مؤسسه بیمه در شهر یا شهرهای دیگر شعبه یا نمایندگی داشته باشد، در یکی از روزنامه‌های آن شهرها نیز در دو نوبت به فاصله یک ماه آگهی خواهد شد. (ماده ۴۳ این قانون).

## ۲-۱- آثار وجودی پروانه بیمه‌گری

پروانه بیمه‌گری همانند هر عمل حقوقی دیگر دارای آثاری است که در ذیل به دو نمونه از مهم‌ترین آثار آن که در قانون بیمه‌گری بیان شده است، اشاره می‌شود:

### ۲-۱-۱- اعتبار حقوقی عملیات بیمه‌گر

به موجب ماده ۳۸ قانون بیمه‌گری، برای انجام عملیات بیمه در تمام رشته‌ها یا رشته‌ای معین باید قبلاً پروانه بیمه‌گری تحصیل گردد. عبارت

«باید» در این ماده، قرینه الزامی بودن تحصیل پروانه بیمه‌گری توسط مؤسسه بیمه است. ماده ۶۹ این قانون نیز ضمانت اجرای عدم تحصیل پروانه بیمه‌گری را بیان کرده است. به موجب این ماده «هر مؤسسه بیمه در رشته یا رشته‌های معینی که پروانه بیمه ندارد راساً یا به وسیله نمایندگان خود قبول بیمه نماید مکلف به جبران خسارت زیان‌دیده خواهد بود.» با دقت خاص در متن این ماده روشن می‌گردد که قانون‌گذار از تدوین این ماده این منظور را داشته که اگر مؤسسه یا نمایندگی بیمه، مجوز فعالیت در زمینه خاصی را نداشته و لیکن با اشخاص ثالث در این خصوص بیمه نامه تنظیم نماید، در هر حال مکلف به جبران خسارت اشخاص ذی نفع بیمه نامه خواهد بود و نمی‌تواند نداشتن مجوز مربوطه را بهانه ای برای عدم پرداخت خسارت شخص ثالث قرار دهد. هدف قانون‌گذار از وضع این مقرره علاوه بر لزوم حمایت از اشخاص ثالث، حمایت از اعتبار بیمه و جلوگیری از سواستفاده از نام بیمه می‌باشد. به عبارت دیگر در صورت عدم وضع این مقرره، هیچ تفاوتی میان بیمه‌گری که نسبت به اخذ پروانه اقدام نموده و الزام قانون را رعایت کرده و بیمه‌گری که از تکلیف قانونی سرپیچی نموده است وجود نداشته و علاوه بر نادیده گرفتن حکم الزامی مندرج در ماده ۳۸ این قانون، باعث ایجاد تصور بی فایده بودن ماده ۶۹ قانون بیمه‌گری نیز می‌شود. زیرا که برای جبران خسارت زیان‌دیدگان به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نیز می‌توان استناد نمود و دیگر لزومی به تکرارگویی آن در ماده ۶۹ قانون بیمه‌گری نبوده است.

#### ۲-۲-۱- پروانه، شرط ثبت مؤسسات بیمه

علاوه بر این که برای انجام عملیات بیمه در تمام رشته‌ها یا رشته‌ای معین باید قبلاً پروانه بیمه‌گری تحصیل گردد (ماده ۳۸ قانون بیمه‌گری)، ثبت هر مؤسسه بیمه در ایران موکول به ارائه پروانه تأسیس که از طرف بیمه مرکزی ایران صادر می‌شود خواهد بود (ماده ۳۷ قانون بیمه‌گری).

بنابراین تا زمانی که پروانه بیمه‌گری تحصیل نشود شرکت بیمه ثبت نخواهد شد. از سوی دیگر ماده ۳۱ قانون بیمه‌گری ضرورت ثبت مؤسسات بیمه را طبق قانون تجارت بیان می‌دارد. به موجب این ماده «عملیات بیمه در ایران به وسیله شرکت‌های سهامی عام ایرانی که کلیه سهام آن‌ها بانام بوده و با رعایت این قانون و طبق قانون تجارت به ثبت رسیده باشند انجام خواهد گرفت.» بنا به این مراتب می‌توان گفت که تحصیل پروانه بیمه‌گری مقدمه ثبت مؤسسه بیمه است و چون مؤسسه بیمه به صورت شرکت سهامی عام تشکیل می‌شود، در صورت عدم ثبت مؤسسه، ضمانت اجراهای مندرج در لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ در خصوص عدم ثبت شرکت سهامی عام در مورد آن اجرا خواهد شد. بنابراین «با وجود آن که شرکت قبل از ثبت در مرجع ثبت شرکت‌ها ایجاد می‌شود و شخصیت حقوقی پیدا می‌کند، ثبت شرکت در کارکرد آن نقش عمده‌ای دارد. در واقع تا شرکت ثبت نشود نمی‌تواند بعضی از اعمال حقوقی را انجام دهد: اولاً «تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده صدور ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ممنوع است.» (ماده ۲۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷) ثانیاً «استفاده از وجوه تأدیه شده به نام شرکت سهامی در شرف تأسیس ممکن نیست، مگر پس از به ثبت رسیدن شرکت ...» در هر حال اگر شرکت ظرف شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت نرسد، مؤسسان و پذیره‌نویسان می‌توانند به بانکی که پذیره‌نویسی در آن صورت گرفته مراجعه کرده و تعهدنامه و وجوه پرداختی را مسترد دارند (ماده ۱۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷) (اسکینی، ۱۳۸۶).

---

۱. از این پس برای رعایت اختصار به جای عبارت «لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷» از عبارت «لایحه قانونی ۱۳۴۷» استفاده خواهیم کرد.



## ۲- وضعیت پروانه بیمه‌گر پس از انحلال مؤسسه بیمه

مسلماً با صدور پروانه بیمه‌گری بیمه‌گر نیز همانند هر بازرگان دیگر می‌تواند فعالیت تجاری خویش را دنبال کند. لیکن همانند هر شخص حقوقی دیگر نیز ممکن است روزی دچار انحلال شود. ضرورت تشکیل مؤسسات بیمه در قالب شرکت سهامی عام تبعیت از قواعد مندرج در لایحه قانونی ۱۳۴۷ را ایجاب می‌کند. بنا به همین لحاظ می‌توان موارد انحلال مؤسسات بیمه را به موجب ماده ۱۹۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷ و نیز قانون بیمه‌گری به دو دسته و به شرح ذیل برشمرد:

## الف) مستندات قانونی انحلال مؤسسه بیمه‌گر

۱. ابطال پروانه بیمه‌گری برای کلیه عملیات بیمه‌ای (ماده ۵۲ قانون بیمه‌گری).
۲. تجزیه مؤسسات بیمه (ماده ۵۴ قانون بیمه‌گری).
۳. ادغام مؤسسات بیمه - اعم از ادغام اختیاری و اجباری - (موارد ۵۴ الی ۵۹ قانون بیمه‌گری).
۴. ورشکستگی (ماده ۵۳ قانون بیمه‌گری).

## ب) موارد انحلال به موجب لایحه قانونی ۱۳۴۷:

به جز مورد ورشکستگی - که هم در بند ۳ ماده ۱۹۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷ و هم در ماده ۵۳ قانون بیمه‌گری مورد اشاره قرار گرفته است - به موجب ماده ۱۹۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷ سایر موارد انحلال به شرح ذیل است:

۱. وقتی شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد (بند ۱ ماده ۱۹۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷).
۲. در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد، مگر این‌که مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد (بند ۲ ماده ۱۹۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷).

۳. در هر موقع که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام به هر علتی رأی به انحلال شرکت بدهد (بند ۴ لایحه).

۴. در صورت صدور حکم قطعی دادگاه (بند ۵ ماده ۱۹۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷).

در صورت انحلال شرکت بیمه‌گر به دلیل هر یک از موارد فوق، پاسخ به این سوال ضروری است که آیا با انحلال مؤسسه، پروانه بیمه‌گری اعتبار خود را از دست خواهد داد یا خیر؟ آیا میان علت‌های مختلف انحلال در این زمینه تفاوت وجود دارد؟ اهمیت مساله بیش‌تر در ورشکستگی بیمه‌گر جلوه می‌نماید. چرا که در ورشکستگی برخلاف دیگر موارد انحلال، امکان اعاده اعتبار تجاری و نیز انعقاد قرارداد ارفاقی برای بیمه‌گر ورشکسته وجود دارد که در دیگر حالت‌های انحلال متصور نیست. نگاهی به مواد ۵۱ الی ۵۳ این قانون که موارد ابطال پروانه بیمه‌گری را از مورد ورشکستگی بیمه‌گر جدا نموده است (قسمت دوم از بخش دوم این قانون) از یک سو و عدم ذکر تمامی موارد انحلال مؤسسه بیمه‌گر از سوی دیگر، این سوال را به ذهن متبادر می‌سازد که آیا موارد ابطال پروانه بیمه‌گری محدود به موارد مصرح در قانون بیمه‌گری است یا در سایر موارد انحلال نیز صورت می‌گیرد؟ در پاسخ به این پرسش‌ها لازم دانسته با تقسیم مطالب این مبحث به دو گفتار به ترتیب گفتار اول: انحلال به موجب لایحه قانونی ۱۳۴۷ و گفتار دوم: انحلال به موجب قانون بیمه‌گری به این سوال‌ها پاسخ دهیم. اما قبل از شروع مطالب این بحث، لازم به ذکر دانسته که بیان کنیم در این خصوص، فرقی بین بیمه‌های اجباری و اختیاری نیست و نه در قانون بیمه‌گری و نه لایحه اصلاح قانون تجارت در این خصوص تفکیکی به عمل نیامده است. اما باید خاطر نشان کرد که مؤسسه‌های بیمه دولتی در این خصوص تابع قوانین تأسیس و اساسنامه‌های خود می‌باشد و در صورتی که اساسنامه‌های آن‌ها مسکوت باشد، تابع قانون بیمه‌گری و لایحه اصلاح قانون تجارت می‌باشند. (ماده ۳۰۰ لایحه اصلاح قانون تجارت).

## ۱-۲- انحلال به موجب لایحه قانونی ۱۳۴۷

به موجب ماده ۱۹۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷: «شرکت سهامی در موارد ذیل منحل می‌شود: ۱- وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده است. ۲- در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد، مگر این که مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد. ۳- در صورت ورشکستگی. ۴- در هر موقع که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام به هر علتی رأی به انحلال شرکت بدهد. ۵- در صورت حکم قطعی دادگاه». گفته شده است: «همه موارد مندرج در ماده ۱۹۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷ شامل حال شرکت‌های بیمه نمی‌شود (به طور نمونه انجام موضوع فعالیت یا سپری شدن مدت شرکت)، ولی سایر موارد انحلال مانند ورشکستگی شرکت به دلایل مالی و اقتصادی یا تصمیم مجمع عمومی صاحبان سهام مبنی بر انحلال یا صدور رأی قطعی دادگاه در مورد انحلال شامل حال شرکت‌های بیمه نیز می‌شود.» (صالحی، ۱۳۹۰). برای اظهار نظر در مورد صحت این نظر لازم است که هر یک از موارد مندرج در این ماده را به طور جداگانه مورد بررسی قرار دهیم. اما قبل از آن لازم است که خاطر نشان سازیم از آنجایی که ورشکستگی در قانون بیمه‌گری ذکر شده، در گفتار دوم مورد بررسی قرار خواهد گرفت و به همین دلیل از تکرار مطالب در مورد آن خوداری می‌نماییم.

**الف) انتفای موضوع (بند ۱ ماده ۱۹۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷):** یکی از مدارک لازم در تقاضای صدور پروانه بیمه‌گری که باید به همراه سایر مدارک مندرج در ماده ۳۸ قانون بیمه‌گری به بیمه مرکزی ایران تسلیم شود اساسنامه مؤسسه بیمه است (بند ۱ ماده ۳۸ قانون بیمه‌گری). در اساسنامه مؤسسه مطالب متعددی باید قید شود که یکی از آنها تعیین موضوع شرکت به طور صریح است (بند ۲ ماده ۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷). اهمیت تعیین موضوع در اساسنامه شرکت به این دلیل است که اهلیت شرکت

محدود به موضوع مندرج در اساسنامه است. هرگاه موضوع شرکت به دلیل تحقق هدف شرکت و یا از میان رفتن آن منتفی شود، همچنین هنگامی که انجام دادن مقصودی که شرکت برای آن تشکیل شده بود غیرممکن شود یا نوع فعالیت مندرج در اساسنامه یا شرکت نامه از طرف قانون ممنوع گردد، شرکت منحل خواهد شد (اسکینی، ۱۳۸۶).

ب) **انقضای مدت (بند ۲ ماده ۱۹۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷):** مدت مؤسسه بیمه نیز همانند موضوع آن از جمله موارد لازمی است که می‌بایست در اساسنامه بیمه‌گر قید شود. هرگاه شرکت بیمه برای مدت معین تشکیل شده و با انقضای مدت مجمع عمومی فوق‌العاده مدت شرکت را قبل از انقضا تمدید نکرده باشد (بند ۴ ماده ۲۰۱ لایحه قانونی ۱۳۴۷) شرکت منحل می‌شود.<sup>۱</sup>

ج) **تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده (بند ۴ ماده ۱۹۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷):** در شرکت‌های سهامی مجمع عمومی فوق‌العاده به هر علتی می‌تواند رأی به انحلال شرکت دهد. تصمیم مجمع نیاز به توجیه ندارد و حتی با وجود مخالفت صاحبان سهام مؤسسه یا انتفاعی نیز امکان‌پذیر است. علاوه بر این در لایحه قانونی ۱۳۴۷ انحلال الزامی شرکت نیز پیش‌بینی شده است. به موجب ماده ۱۴۱ این لایحه «اگر بر اثر زیان‌های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود هیأت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رأی واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رأی به انحلال شرکت ندهد، باید در همان جلسه ... سرمایه شرکت را به سرمایه موجود کاهش دهد». اگر هیأت مدیره مجمع عمومی را دعوت نکند یا مجمع مذکور

۱. البته ممکن است شرکت برای مدت نامحدودی تشکیل شود. تشکیل شرکت با مدت نامحدود در حقوق ما فاقد ایراد است. بند ۴ ماده ۱۷۴ لایحه قانون تجارت این امر را تجویز می‌کند.

نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد (به سبب عدم نصاب) هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند (اسکینی، ۱۳۸۷).

(د) صدور حکم قطعی دادگاه (بند ۵ ماده ۱۹۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷):  
 مواردی که دادگاه حکم به انحلال شرکت سهامی صادر می‌کند در ماده ۲۰۱ لایحه قانونی ذکر شده است. به موجب این ماده «در موارد ذیل هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد: ۱- در صورتی که تا یک سال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته نباشد<sup>۱</sup> و نیز در صورتی که فعالیت‌های شرکت در مدت بیش از یک سال متوقف شده باشد. ۲- در صورتی که مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حساب‌های هر یک از سال‌های مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه تعیین کرده است تشکیل نشده باشد. ۳- در صورتی که سمت تمام یا بعضی از اعضای هیأت مدیره و همچنین سمت مدیر عامل شرکت طی مدتی زائد بر شش ماه بلا تصدی مانده باشد. ۴- در مورد بندهای یک و دو ماده ۱۹۹ در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام جهت اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود یا رأی به انحلال ندهد».

در صورت انحلال بیمه‌گر به هر یک از موارد فوق نوبت به تصفیه و تقسیم دارایی آن می‌رسد. لیکن در دوران تصفیه، شرکت شخصیت حقوقی خود را تا پایان امر تصفیه- برای انجام کارهای تصفیه- حفظ خواهد کرد (ماده ۲۰۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷). به گونه‌ای که در طول مدت تصفیه اقدامات مدیر تصفیه محدود به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای

---

۱. این قسمت از این ماده با بند ۲ ماده ۴۰ قانون بیمه‌گری در خصوص مبدا عدم فعالیت شرکت در مورد موسسات بیمه تخصیص خورده است. چرا که به موجب بند ۲ ماده ۴۰ این قانون در صورتی که مؤسسه بیمه تا یک سال پس از صدور پروانه عملیات خود را شروع نکرده باشد پروانه بیمه پس از موافقت شورای عالی بیمه با تصویب مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران ابطال خواهد شد.

تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت است و معاملات جدید ممنوع است، مگر برای اجرای تعهدات شرکت (ماده ۲۰۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷). به همین دلیل باید گفت پروانه بیمه‌گری تا ختم تصفیه باقی و پس از آن خود به خود از اعتبار افتاده و کارایی خود را از دست می‌دهد.

## ۲-۲- انحلال به موجب قانون بیمه‌گری

در مطالب قبل موارد انحلال مؤسسات بیمه به موجب لایحه قانونی ۱۳۴۷ را بیان داشتیم و گفتیم جز در مورد ورشکستگی، بعضی علل انحلال تنها در قانون بیمه‌گری پیش‌بینی شده‌اند. در این گفتار، این موارد و تأثیر هر یک را بر پروانه بیمه‌گری چند بند مورد بررسی قرار داده‌ایم.

### ۲-۲-۱- ابطال پروانه بیمه‌گری

یکی از موارد انحلال بیمه‌گر که به طور صریح در قانون بیمه‌گری تعیین شده است، ابطال پروانه بیمه‌گران است. به موجب ماده ۵۲ این قانون: «ابطال پروانه مؤسسه بیمه برای کلیه عملیات بیمه‌ای از موارد انحلال مؤسسه است...». موارد ابطال پروانه بیمه‌گری در فصل سوم از بخش دوم قانون بیمه‌گری با عنوان «ابطال پروانه» ذکر شده است (ماده ۴۰ الی ۴۴ قانون بیمه‌گری). به موجب ماده ۴۰ این قانون «پروانه بیمه برای تمام رشته‌ها و یا رشته‌های معینی پس از موافقت شورای عالی بیمه با تصویب مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران ابطال خواهد شد:

۱. در صورت تقاضای دارنده پروانه.
۲. در صورتی که مؤسسه بیمه تا یک سال پس از صدور پروانه عملیات خود را شروع نکرده باشد.<sup>۱</sup>
۳. در مواردی که به تشخیص بیمه مرکزی ایران وضع مالی مؤسسه بیمه طوری باشد که نتواند به تعهدات خود عمل نماید یا بر بیمه مرکزی

۱. رجوع کنید به پاورقی شماره قبل.

ایران ثابت گردد که ادامه فعالیت مؤسسه به زیان بیمه‌شدگان و بیمه‌گذاران و صاحبان حقوق آنهاست.

علاوه بر این در ماده ۵۹ این قانون نیز قانون‌گذار مورد دیگری از ابطال پروانه بیمه‌گری را بیان نموده است. به موجب این ماده «بیمه مرکزی ایران به منظور حفظ حقوق بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آنها با ملاحظات اقتصادی و حمایت امر بیمه می‌تواند با تأیید شورای عالی بیمه و تصویب مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران مؤسسات بیمه‌ای را که وضع مالی یا اداری آنها رضایت‌بخش نیست مکلف نماید که در یکی از مؤسسات بیمه دیگری که موافق باشند، ادغام شوند و در صورتی که ادغام صورت نگیرد، پروانه مؤسسه‌ای که وضع مالی یا اداری آن رضایت‌بخش نیست طبق مقررات این قانون لغو خواهد شد...»<sup>۱</sup> بی شک تا زمانی که بیمه مرکزی رضایت شورای عالی بیمه و تصویب مجمع عمومی خود را اخذ ننماید، نمی‌تواند مانع ادامه فعالیت آنان گردد.

به موجب ماده ۴۲ این قانون، در صورت ابطال پروانه بیمه‌گری، مؤسسه مزبور (هیأت مدیره شرکت بیمه) می‌تواند ظرف ۳۰ روز به هیأت وزیران مراجعه و لغو تصمیم متخذه را درخواست کند. هر چند در این ماده مبداء احتساب مهلت ۳۰ روزه اعتراض ذکر نشده است، اما با مراجعه به عمومات مندرج در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹ مبداء احتساب مهلت ۳۰ روزه را باید از تاریخ ابلاغ نظر مجمع عمومی

---

۱. این ماده شباهت زیادی با بند ۳ ماده ۴۰ این قانون دارد. با این تفاوت که در ماده ۵۹ علاوه بر قید مورد دیگر- نابسامانی اداری- در ابتدا بیمه‌گران را مکلف به ادغام در مؤسسه بیمه دیگر می‌نماید و چنانچه ادغام صورت نگیرد پروانه مؤسسه بیمه لغو می‌شود. با جمع این دو ماده می‌توان دریافت که مفاد بند ۳ ماده ۴۰ این قانون در خصوص نابسامانی مالی بیمه‌گر، با لحاظ ماده ۵۹ این قانون قابل اجراست و تنها در صورتی که بیمه‌گر از ادغام خودداری کند، پروانه‌اش باطل می‌شود. لیکن در صورت نابسامانی اداری مؤسسه، صرفاً مفاد ماده ۵۹ به اجرا در می‌آید.

دانست. در صورت گذشت مهلت ۳۰ روزه و یا در صورت اعتراض به رأی و رد آن توسط هیأت وزیران، رأی مذکور قطعی شده و به هزینه خود مؤسسه بیمه. توسط بیمه مرکزی ایران در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران و در صورتی که مؤسسه بیمه در شهر یا شهرهای دیگر شعبه یا نمایندگی داشته باشد در یکی از روزنامه‌های آن شهرها نیز در دو نوبت به فاصله یک ماه آگهی خواهد شد.»

به موجب ماده ۴۴ این قانون «در صورتی که پروانه مؤسسه بیمه‌ای برای یک یا چند رشته به طور دائم لغو شود بیمه مرکزی ایران با تصویب شورای عالی بیمه کلیه سوابق و اسناد مربوط به حقوق و تعهدات (پرتفوی Portefeuille) مؤسسه مزبور را به شرکت سهامی بیمه ایران انتقال خواهد داد و یا ترتیب خاص دیگری که متضمن منافع بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آنها باشد خواهد داد»<sup>۱</sup>. قید عبارت «به طور دائم» در این ماده اشتباه است. زیرا قید دائم ممکن است در برابر موقت برداشت شود و این‌گونه برداشت گردد که قانون‌گذار بطلان پروانه بیمه‌گری را به طور

---

۱. در نگاه اول به نظر می‌رسد که ماده ۴۴ این قانون همان ماده ۵۹ این قانون باشد و قانون‌گذار مرتکب حشو شده است. هر دو ماده از ادغام اجباری و ابطال پروانه بیمه‌گری صحبت می‌نمایند. با این تفاوت که اولی از ابطال پروانه قبل از ادغام صحبت می‌نماید و دومی از ادغام اجباری مؤسسه بیمه و سپس از ابطال پروانه بیمه‌گری صحبت به میان می‌آورد. لیکن نگاه دقیق‌تر به این دو ماده این تصور را می‌زداید. هر چند که در هر دو این مواد ادغام پیش بینی شده است لیکن در ماده ۵۹ قانون بیمه‌گری مؤسسه ادغام‌کننده به انتخاب مؤسسه ادغام شونده بوده در حالی که در ادغام موضوع ماده ۴۴ این قانون مؤسسه ادغام‌کننده تنها شرکت سهامی بیمه ایران است. علاوه بر این در ماده ۵۹، ادغام قبل از ابطال پروانه بیمه‌گری انجام می‌شود و ابطال پروانه بیمه‌گری ضمانت اجرای قابل اعمال نسبت به عمل بیمه‌گری است که از ادغام خودداری می‌نماید. در این حالت با ابطال پروانه و منحل شدن مؤسسه بیمه دیگر امکان ادغام برای مؤسسه بیمه وجود نداشته و نوبت به اجرای ماده ۴۴ این قانون خواهد رسید. به عبارت دیگر بیمه‌گری که از ادغام اجباری امتناع می‌کند، امتیاز تعیین مؤسسه ادغام‌کننده را از دست داده و با ابطال پروانه او توسط بیمه مرکزی ایران، در شرکت سهامی بیمه ایران ادغام می‌شود.



موقت نیز پیش‌بینی کرده است. لیکن توجه به سایر مفاد قانون بیمه‌گری، روشن می‌نماید که قید «دائم» در برابر تعلیق است. نگاهی به دیگر مواد مندرج در این فصل روشن می‌سازد که منظور قانون‌گذار از وضع این ماده این است که در حالت تعلیق بیمه‌گر، مفاد ماده ۴۴ اجرا نمی‌شود. تعلیق بیمه‌گران از پذیرش بیمه در رشته‌های معین در ماده ۴۱ این قانون به عنوان ضمانت اجرای انتظامی بیمه‌گرانی که برخلاف قوانین بیمه یا اساسنامه خود عمل می‌کنند پیش‌بینی شده است. به موجب این ماده «در مواردی که مؤسسه برخلاف اساسنامه خود یا قوانین و مقررات بیمه رفتار کند به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تصویب شورای عالی بیمه به طور موقت از قبول بیمه در رشته‌های معین ممنوع خواهد شد»<sup>۱</sup>.

#### ۲-۲-۲- ورشکستگی مؤسسات بیمه

به موجب ماده ۴۱۲ قانون تجارت: «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده اوست حاصل می‌شود». در این ماده دو شرط اساسی برای ورشکستگی در نظر گرفته شده است: ۱- تاجر بودن. ۲- توقف در تأدیه دیون. به موجب ماده ۱ قانون تجارت «تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد». شرکت‌های بیمه نیز که به شکل شرکت سهامی عام ایجاد می‌شوند علاوه بر این که به موجب ماده ۳ لایحه اصلاح قانون تجارت، شرکت بازرگانی شناخته می‌شوند، به دلیل این که به عملیات ذاتاً تجاری- عملیات بیمه‌ای موضوع بند ۹ ماده ۲ قانون تجارت- اقدام می‌نمایند تاجر هستند. لیکن بیمه‌گران نیز همانند سایر اشخاص تاجر ممکن است از ایفای تعهدات مالی

۱. جا داشت که قانون‌گذار این ماده را در قسمت چهارم از بخش دوم این قانون و در کنار موادی که ضمانت اجرای تخلفات بیمه‌گران را بیان می‌دارد (مواد ۶۷ الی ۶۹) قرار دهد، چرا که صحبت از تعلیق یک مؤسسه در جایی که قرار است از ابطال پروانه او سخن گفته شود نادرست است.

خود ناتوان شوند. با بروز ناتوانی مالی بیمه‌گر، بیمه‌گذار جهت رهایی از تعهد پرداخت حق بیمه و نیز دریافت مبلغ بیمه می‌تواند خواستار فسخ بیمه‌نامه گردد. به موجب ماده ۳۱ قانون بیمه «در صورت توقف یا افلاس بیمه‌گر، بیمه‌گذار حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.» اما این ضمانت اجرای قانونی برای جلوگیری از تضییع حقوق بیمه‌گذار کافی نیست، زیرا چنانچه وقوع خطر موضوع بیمه و تحقق زمینه پرداخت سرمایه یا خسارت از جانب بیمه‌گر با ورشکستگی او همزمان شود و بیمه‌گذار به ناچار عقد بیمه را فسخ کند به جای مبلغ بیمه، حق بیمه را- که در برابر سرمایه یا خسارت به مراتب بسیار ناچیز است- دریافت می‌کند.<sup>۱</sup> در چنین حالتی است که برای بیمه‌گذار به صرفه است تا از دادگاه صدور حکم ورشکستگی بیمه‌گر را تقاضا نماید. قسمت دوم از بخش دوم قانون بیمه‌گری (مواد ۵۱ الی ۵۳) با عنوان انحلال و ورشکستگی به مبحث ورشکستگی بیمه‌گران پرداخته است.<sup>۲</sup> نگاهی به مواد مندرج در این قسمت

۱. به این ترتیب بیمه‌گذار در این خصوص متضرر اصلی است. قانون‌گذار نیز با علم به آسیب پذیر بودن بیمه‌گذار به این ماده اکتفا نکرده و در وضع قانون تأسیس بیمه مرکزی و بیمه‌گری به این امر توجه نموده و بیمه مرکزی ایران را ملزم کرده تا اقدام احتیاطی لازم در شناسایی و پیشگیری از ورشکستگی بیمه‌گران بنماید (مواد ۴۰ و ۵۲ قانون بیمه‌گری). لیکن در بیمه‌نامه حوادث ناشی از وسایل نقلیه موتوری زمینی موضوع قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب ۱۳۸۷ قانون‌گذار به علت اهمیت بیش از اندازه حوادث این بیمه‌ها به ضمانت اجرای فسخ اکتفا نکرده است. به موجب ماده ۱۰ این قانون بیمه‌گذار در صورت ورشکستگی بیمه‌گر می‌تواند به صندوق تأمین خسارات مالی- موضوع ماده ۱۰ این قانون- مراجعه کند.

۲. به دلیل این‌که ورشکستگی یکی از موجبات انحلال شرکت بیمه است، صرف عبارت «انحلال» برای نام‌گذاری این قسمت از قانون کفایت کرده و استعمال عبارت ورشکستگی در کنار انحلال از باب حشو و مستلزم اصلاح است. علاوه بر این با نگاهی به مواد موجود در این قسمت، متوجه می‌شویم که قانون‌گذار صرفاً مورد ابطال پروانه بیمه‌گری در کلیه عملیات بیمه ای و ورشکستگی بیمه‌گر را از موجبات انحلال می‌داند در حالی که جا می‌داشت ادغام و تجزیه بیمه‌گران را نیز در این قسمت قرار می‌داد. لیکن ذکر سایر موجبات انحلال شرکت

که ابطال پروانه بیمه‌گری در کلیه عملیات بیمه‌ای را از موارد انحلال مؤسسات بیمه دانسته و آن را از ورشکستگی جدا نموده، این تصور را در ذهن ایجاد می‌نماید که قانون‌گذار از این جداسازی قصدی داشته و خواسته است بگوید که در حالت ورشکستگی پروانه بیمه‌گری باطل نخواهد شد. نیاز بیمه‌گر ورشکسته به انعقاد قرارداد ارفاقی<sup>۱</sup> و یا اعاده عملیات تجاری<sup>۲</sup> پس از ختم ورشکستگی، عدم ابطال پروانه بیمه‌گری را بیش‌تر توجیه می‌کند. اما از سوی دیگر صرف سکوت قانون‌گذار را نیز نمی‌توان دلیلی بر بقای پروانه بیمه‌گری و عدم ابطال آن دانست. چرا که در سایر موارد انحلال، همچون ادغام نیز قانون‌گذار در خصوص ابطال یا عدم ابطال پروانه بیمه‌گری مطلبی بیان نکرده است. برای وصول به پاسخ صحیح لازم است هر یک از دیدگاه‌های فوق را بیان و در نهایت نتیجه‌گیری نماییم:

**الف- عدم ابطال پروانه بیمه‌گری: دلایل این دیدگاه به شرح ذیل است:**

بیمه- که در ماده ۱۹۹ لایحه قانون ۱۳۴۷ بیان شده است- به دلیل بدهت امر و اجتناب از تکرار و بدیهی‌گویی لازم نبوده و قانون‌گذار به عمد و جهت اجتناب از تکرارگویی موارد انحلال شرکت سهامی مندرج در ماده ۱۹۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷ را در این قسمت بیان نکرده است.

۱. قرارداد ارفاقی قراردادی است که بین ورشکسته و یا اکثریت نصف به علاوه یک نفر از طلبکارها با داشتن لاقل سه ربع از کلیه مطالبات منعقد می‌شود. به موجب این قرارداد به ورشکسته اجازه داده می‌شود فعالیت تجاری خویش را شروع نموده تا با حاصل آن چه به دست می‌آورد به طلب خود نائل گردند. طلبکارانی که قرارداد ارفاقی را امضا نکرده‌اند می‌توانند سهم خود را موافق آنچه از دارایی تاجر به طلبکارها می‌رسد دریافت کنند اما حق ندارند در آینده از دارایی تاجر ورشکسته بقیه طلب خود را وصول کنند مگر پس از تادیه طلب تمام طلبکارانی که با قرارداد ارفاقی موافق بوده‌اند.

۲. بازگشت تاجر ورشکسته به موجب حکم دادگاه با اعتبار بازرگانی خود به طریقی که حق فعالیت بازرگانی داشته باشد را اعاده اعتبار می‌گویند. تاجر ورشکسته علی‌رغم پرداخت کلیه دیون خود تا زمانی که اعاده اعتبار تجاری ننموده باشد نمی‌تواند فعالیت تجاری خویش را دنبال کند.

۱- در ماده ۴۰ قانون بیمه‌گری موارد ابطال پروانه بیمه‌گر ذکر شده است. به موجب این ماده «پروانه بیمه ... در موارد زیر ... ابطال خواهد شد: ۱- در صورت تقاضای دارنده پروانه. ۲- در صورتی که مؤسسه بیمه تا یکسال پس از صدور پروانه، عملیات خود را شروع نکرده باشد. ۳- در مواردی که به تشخیص بیمه مرکزی ایران وضع مالی مؤسسه طوری باشد که نتواند به تعهدات خود عمل کند یا بر بیمه مرکزی ایران ثابت گردد که ادامه فعالیت مؤسسه به زیان بیمه‌شدگان و بیمه‌گذاران و صاحبان حقوق آنهاست.» در این ماده قانون‌گذار علی‌رغم تصریح به ابطال پروانه در حالت ناتوانی مالی بیمه‌گر، ورشکستگی او را قید ننموده است که این خود دلیلی است بر این‌که در حالت ورشکستگی پروانه بیمه‌گری نباید باطل شود. در بند ۳ این ماده که از ناتوانی مالی مؤسسه بیمه صحبت شده، قانون‌گذار در پی وضع ضمانت اجرایی بازدارنده نسبت به بیمه‌گری است که با بحران مالی مواجه شده تا ضمن جلوگیری از ورشکستگی، عملیات انتقال پرتفوی آن را طبق ماده ۴۴ این قانون انجام دهد. در حالی که در ورشکستگی، به علت انحلال مؤسسه بیمه صحبت از انتقال پرتفوی بی‌معنا است.

۲- تفکیک ورشکستگی از ابطال پروانه بیمه‌گر در مواد ۵۱ الی ۵۳ این قانون قرینه‌ای است بر این‌که قانون‌گذار از تفکیک مزبور منظوری داشته و آن عدم ابطال پروانه بیمه‌گر ورشکسته است.

۳- حق بیمه‌گر به انعقاد قرارداد ارفاقی در طول عملیات تصفیه و یا اعاده اعتبار تجاری او پس از ختم ورشکستگی و بازگشت او به فعالیت تجاری با ابطال پروانه بیمه‌گری نادیده گرفته می‌شود. محروم نمودن شخص از حق مکتسبی که قانون به وی اعطا نموده مستلزم نص قانون است که در این خصوص وجود ندارد.

ب- ابطال پروانه بیمه‌گری: در مقابل می‌توان با دلایل زیر معتقد بود که پروانه بیمه‌گری با ورشکستگی مؤسسه باطل نمی‌شود:

۱- قیاس اولویت ورشکستگی بیمه‌گر با بند ۳ ماده ۴۰ قانون بیمه‌گری - که نابه‌سامانی مالی بیمه‌گران را موجب ابطال پروانه بیمه‌گری آنان دانسته - ما را به این نتیجه خواهد رساند که در صورت ورشکستگی یک مؤسسه بیمه نیز به طریق اولی پروانه آن مؤسسه لغو می‌شود. لغو پروانه بیمه‌گری، ممکن است هم قبل از صدور حکم ورشکستگی مؤسسه بیمه و به عنوان ضمانت اجرای پیشگیرنده و عامل ادغام مؤسسه در شرکت بیمه ایران باشد (بند ۳ ماده ۴۰ و ماده ۴۴) و هم می‌تواند پس از صدور حکم ورشکستگی و در اجرای مواد ۵۱ الی ۵۳ قانون بیمه‌گری و به علت انحلال مؤسسه.

۲- تفکیک حالت ورشکستگی از دیگر موارد ابطال پروانه بیمه‌گر در قسمت دوم از بخش دوم قانون بیمه‌گری به این دلیل بوده که قانون‌گذار خواسته است تا بیان دارد در حالت ورشکستگی بیمه‌گران مفاد ماده ۴۴ این قانون - ادغام به شرکت سهامی بیمه‌ایران - به اجرا در نیامده و نوبت به اجرای ماده ۵۳ قانون بیمه‌گری و تصفیه بیمه‌گر ورشکسته مطابق قانون تجارت خواهد رسید نه این‌که پروانه بیمه‌گری باطل نمی‌شود.

۳- توجه به بند «پ» ماده ۹ مقررات تأسیس و فعالیت مؤسسات بیمه در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۶/۲ در پذیرش این نظر کمک می‌نماید. به موجب این بند «پروانه فعالیت صادر شده توسط بیمه مرکزی ایران برای تمام رشته‌ها یا رشته‌های معین در موارد زیر لغو خواهد شد: ... پ- در صورت ورشکستگی مؤسسه». هر چند این ماده صرفاً از ابطال پروانه بیمه‌گران مناطق آزاد تجاری - صنعتی به دلیل ورشکستگی سخن گفته لیکن می‌توان آن را به عنوان ضابطه عامی در ابطال پروانه سایر بیمه‌گران ورشکسته پذیرفت. دلایل هر دو دیدگاه محترم است. لیکن پذیرش نظر اول به ترویج بیش‌تر صنعت بیمه‌گری کمک نموده و در نتیجه پرداخت طلب طلبکاران را

آسان‌تر می‌کند در حالی که ابطال پروانه بیمه‌گری مانع از تحقق چنین اهدافی است. در داوری میان این دو نظر و برای رسیدن به پاسخ قانع‌کننده لازم است بار دیگر به مواد قانون بیمه‌گری توجه کرد. به موجب ماده ۵۱ این قانون «در صورتی که ورشکستگی یک مؤسسه بیمه اعلام شود دادگاه مکلف است قبل از اتخاذ هر نوع تصمیم نظر بیمه مرکزی ایران را جلب نماید. بیمه مرکزی ایران از تاریخ وصول استعلام دادگاه باید ظرف ۱۵ روز نظریه خود را کتباً به دادگاه اعلام دارد. دادگاه با توجه به نظریه بیمه مرکزی ایران تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد»<sup>۱</sup>. به موجب این ماده در صورت تقاضای صدور حکم ورشکستگی، دادگاه مکلف است قبل از صدور حکم ورشکستگی، نظریه بیمه مرکزی ایران را جلب نماید. نظر بیمه مرکزی هر چه که باشد بی‌شک در ارتباط با وضعیت مالی و نحوه عملکرد مؤسسه مذکور است. در همین موقع است که شورای عالی بیمه ضمن اعلام نظر خود در خصوص وضع مالی بیمه‌گر به دادگاه در اجرای وظیفه مندرج در بند ۳ ماده ۴۰ قانون بیمه‌گری، پروانه مؤسسه‌ای را که وضع مالی‌اش نابه‌سامان تشخیص داده شود ابطال می‌کند.<sup>۲</sup> لیکن بر خلاف مؤسساتی که پروانه آن‌ها به دلایل مندرج در ماده ۴۰ قانون بیمه‌گری باطل می‌شود و به

۱. در این ماده عبارت «اعلام شود» اشتباه بوده و بهتر است که به جای آن عبارت «تقاضا می‌شد» به کار می‌رفت. چرا که اعلام ورشکستگی هر تاجر در صلاحیت دادگاه و مستلزم صدور رای است. ماده ۴۱۵ قانون تجارت مقرر می‌دارد «ورشکستگی تاجر به حکم محکمه بدایت ... اعلام می‌شود ...».

۲. اما با ابطال پروانه بیمه‌گری به دلیل ورشکستگی ماده ۴۴ این قانون اجرا نمی‌شود. چرا که صحبت از ادغام یا انتقال پرتفوی بیمه‌گری که منحل شده نابجا و غلط است. انتقال عملیات و ادغام مستلزم وجود شرکت است. در حالی که در ورشکستگی شرکت بیمه منحل شده و دیگر فرصتی برای انتقال عملیات یا ادغام وجود نداشته بلکه دارایی بیمه‌گر ورشکسته می‌بایست تصفیه شود. به موجب ماده ۵۳ این قانون: «تصفیه مؤسسه بیمه ورشکسته طبق قانون تجارت به عمل می‌آید...». ماده ۲۰۳ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت در خصوص تصفیه شرکت سهامی منحل شده اعلام می‌دارد: «تصفیه امور شرکت سهامی با رعایت مقررات این قانون انجام می‌گیرد، مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی می‌باشد».

موجب ماده ۴۴ این قانون حقوق و تعهدات آن‌ها به شرکت سهامی بیمه ایران انتقال می‌یابد، با صدور حکم ورشکستگی بیمه‌گر علی‌رغم ابطال پروانه، ماده ۴۴ مجالی برای اجرا نداشته و در نتیجه حقوق و تعهدات مؤسسه ورشکسته علی‌رغم ابطال پروانه آن به شرکت سهامی بیمه ایران منتقل نشده، بلکه مطابق قانون تجارت تصفیه خواهد شد (ماده ۵۳ قانون بیمه‌گری). در نتیجه ضمن باقی ماندن تعهدات مؤسسه بر دوش وی، مدیران تصفیه اقدام به اجرای تعهدات و وصول مطالبات و خاتمه دادن کارهای جاری می‌کنند (ماده ۲۰۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷). ابطال پروانه و عدم امکان انعقاد قرارداد ارفاقی یا اعاده اعتبار تجاری را نیز باید به حساب ریسک معاملات تجاری دانست که در اعمال تجاری وجود داشته و بیمه‌گر آن را تقبل کرده است. لیکن باید دقت نمود که حتی اگر قائل به عدم ابطال پروانه بیمه‌گری در شرایط ورشکستگی باشیم، لیکن از این پروانه فقط در حد موارد مربوط به تصفیه می‌توان استفاده نمود.

### ۳-۲-۲- تجزیه مؤسسات بیمه

تجزیه شرکت‌ها حاصل انفکاک و تقسیم دارایی یک شرکت میان دو یا چند شرکت قبلاً موجود یا جدیدالتأسیس است. برای مثال اگر سرمایه شرکت «الف» بین دو شرکت «ب» و «ج» تقسیم شود با ایجاد شرکت‌های «ب» و «ج» شرکت «الف» از بین می‌رود. در تجزیه شرکت‌ها شرکت‌هایی که از بین می‌روند منحل می‌شوند؛ بدون این‌که اموال آن‌ها تصفیه شود (اسکینی، ۱۳۸۶). تجزیه شرکت‌های بیمه در ماده ۵۴ قانون بیمه‌گری پیش‌بینی شده است. به موجب این ماده «مؤسسات بیمه می‌تواند با موافقت بیمه مرکزی ایران و تصویب شورای عالی بیمه تمام یا قسمتی از پرتفوی (Portefeuille) خود را با کلیه حقوق و تعهدات ناشی از آن به یک یا

چند مؤسسه بیمه مجاز دیگر واگذار کند.<sup>۱</sup> تجزیه شرکت‌ها از مصادیق انحلال پیش از موعد آن‌ها بوده که در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است. به موجب ماده ۸۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷: «هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده می‌باشد». ماده ۸۵ لایحه مقرر می‌دارد: «تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده همواره به اکثریت دو سوم آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود». تقاضای انتقال پرتفوی دو بار به فاصله ده روز در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران و عندالزوم در یکی از روزنامه‌های محلی به هزینه متقاضی از طرف بیمه مرکزی ایران آگهی می‌شود. پس از انقضای سه ماه از تاریخ آخرین آگهی بیمه مرکزی ایران در صورت حصول اطمینان از این که در این انتقال هیچ یک از حقوق بیمه‌شدگان و بیمه‌گذاران و صاحبان حقوق آن‌ها تضییع نخواهد شد موافقت خود را با انتقال پرتفوی کتباً به مؤسسه بیمه متقاضی اعلام خواهد داشت. در صورت موافقت بیمه مرکزی ایران با انتقال پرتفوی، این انتقال برای کلیه بیمه‌شدگان و بیمه‌گذاران و صاحبان حقوق آن‌ها از تاریخ انتقال معتبر خواهد بود. (مواد ۵۵، ۵۶ و ۵۷ قانون بیمه‌گری). با انحلال شرکت بیمه در اثر تجزیه به علت از بین رفتن شخصیت حقوقی مؤسسه مذکور، پروانه بیمه‌گری باطل شده و مرجع اجازه دهنده تجزیه - مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران - همزمان با این تصویب این امر نسبت به لغو پروانه بیمه‌گری اقدام می‌نماید.

---

۱. بهتر آن بود که قانون‌گذار عنوان این بخش را «تجزیه و ادغام» می‌گذاشت نه «انتقال عملیات و ادغام». ایراد دیگر در نام‌گذاری این قسمت است. توضیح آن که انتقال عملیات یکی از آثار ادغام بوده و استعمال اثر یک عمل در کنار آن، آن هم با حرف عطف در میان آن‌ها این تصور نادرست را در ذهن ایجاد می‌نماید که این دو، دو مقوله جدا از هم اند. همچنین به لحاظ این که تجزیه و ادغام هر دو موجب انحلال اشخاص حقوقی است بهتر آن بود که مواد ۵۴ الی ۵۹ در قسمت دوم بخش دوم این قانون قرار داده می‌شد.



## ۴-۲-۲- ادغام مؤسسات بیمه

در قانون اجرای سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی به بخش غیردولتی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ ادغام چنین تعریف شده است «اقدامی که بر اساس آن یک یا چند شرکت ضمن محو شخصیت حقوقی خود شخصیت حقوقی واحدی تشکیل دهند یا در شخصیت دیگری محو گردند». ادغام به «ادغام یک جانبه» و نیز «ادغام دو جانبه» تقسیم شده است (آیین‌نامه اجرای ماده ۱۱۱ اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۳/۹/۱). در ادغام یک جانبه دارایی‌ها و بدهی‌های یک یا چند شرکت در یک شرکت دیگر که شرکت موجود نامیده می‌شود ادغام می‌گردد. اما در ادغام دو جانبه دارایی‌ها و بدهی‌های چند شرکت به شرکت جدید منتقل می‌شود. انحلال شرکت‌های ادغام‌شونده و محو شخصیت حقوقی آن‌ها، از مهم‌ترین آثار ادغام است.<sup>۱</sup> علاوه بر آن بر اثر ادغام، کلیه دارایی، مطالبات و دعاوی له و علیه شرکت ادغام‌شونده به شرکت تجاری ادغام‌کننده منتقل می‌شود و شرکت اخیر به عنوان قائم‌مقام عام شرکت ادغام‌کننده خواهد بود. قسمت سوم از بخش دوم قانون بیمه‌گری با عنوان «انتقال عملیات و ادغام» به مساله ادغام بیمه‌گران پرداخته است. نگاهی به مواد موجود در این قسمت از قانون روشن می‌سازد که قانون‌گذار دو نوع ادغام پیش‌بینی نموده است:

۱- **ادغام اجباری:** به موجب این نوع ادغام که در ماده ۵۹ این قانون پیش‌بینی شده است «بیمه مرکزی ایران به منظور حفظ حقوق بیمه‌گذاران و

---

۱. تفاوت انحلال شرکت‌های تجاری بر اثر ادغام با انحلال شرکت‌های مذکور با سایر موارد انحلال آن است که در ادغام نیازی به رعایت مقررات تصفیه وجود ندارد. بدین معنا که شرکت‌های ادغام‌شونده پس از ادغام وظیفه‌ای در خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی ندارند؛ زیرا کلیه حقوق و تعهدات شرکت ادغام‌شونده به شرکت ادغام‌کننده منتقل می‌شود. لیکن در سایر موارد انحلال اجرای عملیات تصفیه ضروری است.

بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آنها یا به ملاحظات اقتصادی و حمایت امر بیمه می‌تواند با تأیید شورای عالی بیمه و تصویب مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران مؤسسات بیمه‌ای را که وضع مالی یا اداری آنها رضایت‌بخش نیست مکلف نماید که در یکی از مؤسسات بیمه دیگری که موافق باشند ادغام شوند و در صورتی که ادغام صورت نگیرد پروانه مؤسسه‌ای که وضع مالی یا اداری آن رضایت‌بخش نیست طبق مقررات این قانون لغو خواهد شد...». به موجب این ماده نابسامانی مالی یا اداری مؤسسه بیمه موجب ادغام اجباری مؤسسه بیمه است. قسمت اخیر این ماده که ابطال پروانه بیمه‌گری را مشروط بر این نموده که «ادغام صورت نگیرد» این تردید را ایجاد می‌نماید که پروانه بیمه‌گری در صورت ادغام باطل نشده و تنها در صورتی که ادغام انجام نشود باطل خواهد شد. اما اندکی تفکر بیش‌تر این تصور را زدوده و ما را به این نتیجه می‌رساند که در حالت ادغام نیز چون بیمه‌گر ادغام‌شونده شخصیت حقوقی خود را از دست می‌دهد پروانه بیمه‌گری او لغو می‌شود. قسمت دوم ماده که از ابطال پروانه بیمه‌گری صحبت نموده است ضمانت اجرای تخلف بیمه‌گری است که از تکلیف ادغام سرپیچی نموده و با ابطال پروانه امتیاز تعیین مؤسسه ادغام‌کننده از او سلب و مفاد ماده ۴۴ این قانون در مورد او به اجرا درمی‌آید. البته ادغام به دلیل نابسامانی مالی مؤسسه با لحاظ بند ۳ ماده ۴۰ این قانون نیز پیش‌بینی شده است؛ با جمع این دو ماده می‌توان گفت که با نابه‌سامانی مالی مؤسسه در ابتدا مؤسسه مذکور مکلف به ادغام در مؤسسه‌ای به انتخاب خود شده و در صورت امتناع از ادغام، پروانه بیمه‌گری مؤسسه مذکور ابطال و سپس بیمه مرکزی ایران با تصویب شورای عالی بیمه، کلیه سوابق و اسناد مربوط به حقوق و تعهدات مؤسسه مزبور را به شرکت سهامی بیمه ایران انتقال داده و یا ترتیب دیگری که متضمن منافع بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آنها باشد خواهد داد (ماده ۴۴ قانون بیمه‌گری).

۲- **ادغام اختیاری:** در این نوع ادغام اجازه مجمع عمومی فوق‌العاده با اکثریت دو سوم آراء حاضر در جلسه رسمی لازم است. چرا که ادغام از مصادیق انحلال پیش از موعد شرکت بوده و انحلال پیش از موعد شرکت سهامی در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است (مواد ۸۳ و ۸۵ لایحه قانونی ۱۳۴۷). در ادغام مؤسسات بیمه رعایت مفاد مواد ۵۵، ۵۶ و ۵۷ قانون بیمه‌گری ضروری است. به موجب ماده ۵۸ این قانون: «یک یا چند مؤسسه بیمه می‌توانند با رعایت مواد ۵۵-۵۶ و ۵۷ با موافقت بیمه مرکزی ایران و تصویب شورای عالی بیمه در یک مؤسسه بیمه دیگر ادغام شوند.» به نظر می‌رسد که قانون‌گذار در این ماده ادغام دو جانبه را مد نظر داشته است. تصویری جز این باعث می‌شود تا نسبت حشو به قانون‌گذار داده شود.<sup>۱</sup> امری که از قانون‌گذار بعید است.

در ادغام اختیاری نیز- خواه ادغام یک‌جانبه و خواه ادغام دو جانبه- به لحاظ از بین رفتن شخصیت حقوقی شرکت پروانه بیمه‌گری باطل شده و مرجع اجازه دهنده ادغام- مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران- هم زمان با این تصویب این امر نسبت به لغو پروانه بیمه‌گری اقدام می‌نماید.

### ۳- نتیجه‌گیری

برای انجام عملیات بیمه‌ای و ثبت مؤسسه بیمه اخذ پروانه بیمه‌گری ضروری است. بیمه‌گران که می‌بایست در قالب شرکت سهامی عام ایجاد شوند (ماده ۳۱ قانون بیمه‌گری) ممکن است همانند سایر اشخاص حقوقی دچار انحلال گردند. با انحلال مؤسسات بیمه- که هم در ماده ۱۹۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷ پیش‌بینی شده است و هم در قانون بیمه‌گری- پروانه بیمه‌گر نیز از اعتبار می‌افتد. هر چند در ابتدا به نظر می‌رسد که در کلیه موارد

۱. چرا که هم در ماده ۵۴- هنگامی که از انتقال کلیه عملیات یک مؤسسه به یک مؤسسه دیگر صحبت می‌کند- و هم در ماده ۵۸ هر دو از ادغام سخن گفته است.

انحلال مؤسسه به دلیل این که به موجب ماده ۲۰۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷ شخصیت حقوقی مؤسسه تا پایان امر تصفیه باقی می ماند پروانه بیمه گری نیز تا پایان تصفیه باقی و پس از آن اعتبار خود را از دست می دهد. اما اندکی تأمل بیش تر و به ویژه ملاحظه موجبات مختلف انحلال این نظر را نفی می کند. زیرا در انحلال به دلیل ورشکستگی با استعلام دادگاه از بیمه مرکزی (به موجب ماده ۵۱ قانون بیمه گری) توسط بیمه مرکزی و بدلیل وضعیت نابه سامان مالی مؤسسه و قبل از صدور حکم ورشکستگی باطل می شود (بند ۳ ماده ۴۰ قانون بیمه گری). در ادغام و تجزیه مرجع اجازه دهنده ادغام و تجزیه- مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران- همزمان با اجازه این امر نسبت به لغو پروانه بیمه گری اقدام می نماید. لیکن در ادغام اجباری که به دلیل اوضاع نابسامان مالی یا اداری مؤسسه صورت می گیرد در صورت امتناع مؤسسه از ادغام، پروانه او توسط بیمه مرکزی ایران باطل و حقوق و تعهدات او به شرکت بیمه ایران انتقال می یابد. ابطال پروانه بیمه گری در کلیه عملیات بیمه ای نیز از موارد انحلال مؤسسه است که در این صورت کلیه حقوق و تعهدات مؤسسه به شرکت سهامی بیمه ایران انتقال می یابد.

### پیشنهاد

در خصوص جایگاه و نحوه قرار دادن مواد قانونی در بخش دوم قانون تأسیس بیمه مرکزی و بیمه گری، ایراداتی به شرح ذیل به چشم می خورد که اصلاح آن ها توصیه می گردد:

الف- تعویض جایگاه ماده ۴۱ و قرار دادن آن در کنار مواد ۶۷ الی ۶۹ این قانون: علی رغم این که ضمانت اجرای تخلفات بیمه گران از اجرای قوانین و مقررات بیمه، در مواد ۶۷ الی ۶۹ این قانون- قسمت چهارم از بخش دوم- و با عنوان «مقررات مختلف»، بیان شده است، لیکن متأسفانه

یکی دیگر از ضمانت اجراهای تخلفات بیمه‌گران، در ماده ۴۱ این قانون- قسمت اول از بخش دوم- قرار داده شده است.

ب- قرار دادن مواد قانونی مربوط به ادغام و تجزیه مؤسسات بیمه در کنار مواد انحلال و ورشکستگی: با وجود این‌که، قسمت دوم از بخش دوم این قانون، به انحلال و ورشکستگی مؤسسات بیمه اختصاص یافته است- مواد ۵۱ الی ۵۳- لیکن متأسفانه مواد قانونی مربوط به ادغام و تجزیه مؤسسات بیمه، در قسمت سوم از بخش دوم- مواد ۵۴ الی ۵۹- این قانون قرار داده شده است؛ در حالی که ادغام و تجزیه مؤسسات بیمه نیز از موارد انحلال این مؤسسات بوده و به‌نظر است که همگی مواد ۵۱ الی ۵۹ این قانون در یک قسمت و در کنار هم قرار گیرند.

### منابع

- ۱- اسکینی، ربیعا، (۱۳۸۶)، *حقوق تجارت؛ ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته*، جلد ۴، چاپ دهم، تهران، انتشارات سمت.
- ۲- -----،-----، (۱۳۸۶)، *شرکت‌های تجاری*، جلد ۱ و ۲، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات سمت.
- ۳- بابایی، ایرج، (۱۳۸۶)، *حقوق بیمه*، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت.
- ۴- جباری، غلامحسین، (۱۳۵۲)، *مؤسسات بیمه*، چاپ دوم، تهران، انتشارات پیروز.
- ۵- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۵)، *ترمینولوژی حقوق*، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۶- دستباز، هادی، (۱۳۸۰)، *اصول و کلیات بیمه‌های اشخاص*، ج ۲، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۷- دمرچیلی، محمد، حاتمی، علی، قرائی، محسن، (۱۳۸۱)، *قانون تجارت در نظم حقوق کنونی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات خلیج فارس.

۸- صالحی، جانعلی محمود، (۱۳۹۰)، *حقوق بیمه*، چاپ سوم، تهران، انتشارات پژوهشکده بیمه.

۹- کریمی، آیت، (۱۳۷۷)، *کلیات بیمه*، چاپ سوم، تهران، انتشارات پژوهشکده بیمه.

۱۰- ---، ---، (۱۳۷۹)، *مبانی عملی و نظری بیمه‌های اموال و مسئولیت*، چاپ اول، تهران، انتشارات بیمه مرکزی ایران.

۱۱- مشایخی، همایون، (۱۳۴۹)، *مبانی و اصول حقوقی بیمه*، تهران، چاپ اول، انتشارات مؤسسه عالی حسابداری تهران.